

دکتر احمد پورا احمد*

بهادر زارعی**

امکان سنجی احکام جهاد در فراسوی قلمرو ملی

چکیده:

این پژوهش به بررسی عاملی مهم که زیر ساخت‌های تشویک و بعضاً عملی بخشی از رفتار و روابط خارجی یک حکومت اسلامی را صورت‌بندی و سازمند می‌نماید یعنی اصل جهاد در شرایط کنونی نظام بین‌المللی می‌پردازد. بعضی از فقها و اندیشمندان جهان اسلام تقسیم‌بندی‌های مفصلی از جهاد در اسلام انجام داده‌اند، اما قاطبه آنان جهاد را به دو قسم کلی تقسیم نموده‌اند: ۱- جهاد ابتدایی (آزادبخش) که به منظور دعوت از کفار و مشرکان به دین مبین اسلام صورت می‌گیرد و تنها در مقابل تعرض نظامی دشمن هنگام روبه‌رو شدن با تبلیغ مسلمانان موضوعیت می‌یابد. ۲- جهاد دفاعی؛ چنانچه منافع، شهرها و کیان اسلام و مسلمانان در خطر افتد مسلمانان با نوع دومی از جهاد روبه‌رو می‌گردند که بر تمام مسلمین اعم از زن و مرد، پیر و جوان، کوچک و بزرگ واجب می‌شود تا به هر وسیله‌ای که بتوانند دفاع نمایند. به نظر می‌رسد اشغال مناطق ارضی و مرزی یک دولت توسط دولتی دیگر، خواه اسلامی یا غیر اسلامی مسلمانان آن سرزمین را در برابر جهاد دفاعی قرار می‌دهد. امروز علما و اندیشوران اسلامی جهاد را با توجه به قواعد و موازین حاکم بر نظام بین‌الملل، حرمت و اعتبار قلمرو ملی در نظام جهانی و جایگاه حقوق بین‌الملل که اساس نهادهای بین‌المللی را شکل می‌دهد، (سازمان ملل...) در شرایط خاصی مجاز و معتبر می‌شمارند. بنابراین، در این پژوهش سعی خواهیم کرد ضمن بررسی رویکردهای سنتی رایج و موجود به ایده‌های نوین جهت حل مسائل مبتلا به یک نظام سیاسی اسلامی دست یابیم.

واژگان کلیدی:

جهاد ابتدایی، جهاد دفاعی، قلمرو ملی، احکام اولیه اسلام، حقوق بین‌الملل عمومی.

*- دانشیار دانشکده جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران.

** - دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران.

مقدمه

در تحلیل اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی در فقه سیاسی اسلام به اصل مهم، اساسی و رفتارسازی به نام جهاد مواجه می‌گردیم. جهاد در چارچوب استراتژی تبلیغ و دعوت اسلامی، حلقه بسیار با اهمیتی است و در کتب فقهی عنوان و جایگاه ویژه و مستقلی برای آن گشوده‌اند، هر چند از نظر اسلام ماهیت جهاد دفاع است اما به نظر می‌رسد این اصل در نظام بین‌الملل کنونی با تنگناها و تضییقاتی روبه‌روست. بدیهی است در عصر انقلاب ارتباطات و انفجار اطلاعات، جهانی شدن حقوق بشر، دموکراسی و ارزش‌های بنیادین آن، و از همه مهم‌تر حرمت و جایگاه ویژه قلمرو ملی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل و خدشه‌ناپذیر بودن آن، به عنوان یکی از اصول لایتغیر نظام دولت - ملت، نمی‌توان از جهاد و دفاع از مسلمانان و بلاد اسلامی آن هم به شیوه قرون اولیه ظهور اسلام سخن گفت، چرا که جهاد قلمرو ملی دولت‌ها را نادیده می‌انگارد و دفاع از مردم و سرزمین‌های اسلامی را مبنای فعل خویش می‌پندارد و مرزهای خود را مرزهای عقیده می‌شناسد نه قلمرو ملی و مرزهای جغرافیایی دولت‌ها. فقهای اسلامی در چنین شرایطی و در چارچوب جهاد دفاع به آحاد مسلمانان مجوز جهاد و دفاع از هموطنان خود در قلمرو سرزمینی را مجاز می‌دانند، بدیهی است در این صورت به نوعی تقابل دیدگاهی با حقوق بین‌الملل عمومی و اصل مداخله به استناد اصول منشور ملل متحد می‌انجامد (اصول ۴ و ۷ منشور). بنابراین، این پژوهش ضمن بررسی اقسام جهاد در شرایط کنونی به بررسی این اصول در روابط خارجی یک دولت اسلامی مانند کشور ایران... می‌پردازد و می‌تواند بخشی از مشکلات تئوریک و اجرایی دستگاه دیپلماسی کشورهای اسلامی را مرتفع سازد. از این‌رو تحقیق حاضر اهداف زیر را مد نظر دارد:

الف: بررسی امکان اعلام و اجرای اصل جهاد در فراسوی قلمرو ملی در نظام بین‌الملل

کنونی

ب: ارزیابی جمهوری اسلامی ایران از اصل جهاد، قلمرو ملی دولت‌های اسلامی و موازین

حقوق بین‌الملل

پ: چگونگی انطباق اصل جهاد با قواعد و مقررات بین‌المللی

روش تحقیق و فرضیات

روش مطالعه این پژوهش روش تحلیلی - توصیفی خواهد بود. قلمرو مطالعات این تحقیق

را کتب فقهی اسلامی اعم از اهل تشیع و تسنن در زمان‌های مختلف، کنکاش در نصوص دینی، منابع حقوقی، جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل و علوم سیاسی را در برمی‌گیرد. بنابراین در طول تحقیق با بهره‌جستن از روش تبیینی در مقیاس بسیار وسیع سود خواهیم جست. پس از گردآوری منابع متفاوت و گاه متضاد و نحله‌های فکری و استخراج نکات اساسی، تاثیرگذار و اندیشه‌ساز و دسته‌بندی و تنظیم اطلاعات به تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها پرداخته و به استخراج رویکردی نوین پیرامون جهاد انجامیده است.

فرضیه‌های این تحقیق عبارتند از:

- ۱- به نظر می‌آید جهاد در شرایط کنونی روابط بین‌المللی و اصل حقوقی مداخله و احترام به قلمرو ملی دولت‌ها دچار چالش‌ها و تنگناهایی است.
- ۲- به نظر می‌رسد رفتار و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه دوم انقلاب اسلامی تا حدود زیادی بر مبنای حقوق و موازین بین‌المللی بنا شده است.

یافته‌ها و بحث

در تحلیل و بررسی اصول سیاست خارجی حکومت اسلامی، در فقه سیاسی اسلام به اصلی مهم و اساسی به نام جهاد برمی‌خوریم که شناخت آن در ابعاد مختلف ضروری است. جهاد در چارچوب استراتژی تبلیغ و دعوت اسلامی، حلقه بسیار با اهمیتی است، و در کتب فقهی عنوان و جایگاه ویژه و مستقلی برای آن گشوده‌اند. از نظر اسلام ماهیت جهاد دفاع است، از این جهت تردیدی وجود ندارد که جهاد و هر نوع قتال و جنگی به عنوان تجاوز و جنگ برای استخدام نیروهای اقتصادی یا انسانی یا قومی به هیچ وجه از نظر اسلام روا نیست بلکه از نظر اسلام این‌گونه جنگ‌ها نوعی ظلم است. جهاد فقط به عنوان دفاع و در واقع مبارزه با یک نوع تجاوز است، در آن صورت می‌تواند مشروع باشد مانند دفاع از حیات، دفاع از مال و ثروت و سرزمین، دفاع از استقلال و دفاع از ناموس همه این موارد دفاعی است مشروع. (مطهری، ۶۷، ص ۱۵) در اسلام جنگ به عنوان حالت عارضی و استثنایی پذیرفته شده است و به طرق مختلف مردم به عدم ورود به جنگ یا خاتمه آن در اولین فرصت تشویق و ترغیب شده‌اند. از طرف دیگر جواز جهاد و جنگ با دیگر کشورها را منحصرأ به موارد خاص معطوف نموده و روابط صلح جویانه و مسالمت‌آمیز با کلیه دولت‌های جهان اعم از اسلامی، اهل کتاب و کفار معاند غیر اهل کتاب را ترغیب کرده است.

با این وصف است که باید اقرار نمود اصالت صلح در اسلام اصلی غیر قابل شبهه می باشد و اصالت صلح به این معنا مورد تأیید اکثر روشنفکران جهان اسلام و غرب قرار گرفته است. (حقیقت، سال ۷۶، ص ۳۴۳)

بعضی از فقها و اندیشمندان تقسیم‌بندی‌های مفصلی برای جهاد در اسلام انجام داده‌اند اما قاطبه آنان جهاد را به دو قسمت کلی تقسیم نموده‌اند.

الف - جهاد ابتدایی (آزادبخش) که به منظور دعوت کفار و مشرکان به دین اسلام انجام می‌گیرد. بر این اساس جهاد ابتدایی تنها در مقابل تعرض نظامی دشمن هنگام رو به رو شدن با تبلیغ مسلمانان موضوعیت پیدا می‌کند و اگر دشمن در مقابل تبلیغ اسلام دست به اسلحه نبرد؛ موضوع جهاد ابتدایی خود به خود منتفی می‌شود. باید پذیریم که جنگ به شکل مطلق شر نیست و در برخی موارد گریزی از آن نمی‌باشد. آنچه مذموم است، تجاوز و سلطه‌طلبی است و هر جنگی از طرف هر کسی تجاوز تلقی نمی‌شود. دفاع، مصادیق بارزی دارد مثل دفاع از جان و ناموس خود یا دفاع در مقابل تجاوز نظامی دشمن، در همین رابطه استاد شهید مرتضی مطهری معتقد است: آیا قید، منحصر به این است که طرف بخواهد با ما بجنگد؟ یا چیزی دیگر هم هست؟ آن چیز دیگر این است که طرف با ما نخواهد بجنگد ولی مرتکب یک ظلم فاحش نسبت به یک عده افراد انسان‌ها شده است و ما قدرت داریم آن انسان‌های دیگر را که تحت تجاوز قرار گرفته‌اند نجات بدهیم. اگر نجات ندهیم در واقع به ظلم این ظالم نسبت به آن مظلوم کمک کرده‌ایم. (مطهری، ۶۷، ص ۱۵) پس جهاد با کسانی که ظلم فاحشی نسبت به مسلمانان و مستضعفان دیگر نقاط جهان روا داشته‌اند، و حتی جهاد برای رفع موانع تبلیغ مصداقی از جهاد ابتدایی است و ماهیتاً نوعی دفاع تلقی می‌شود. اما شیخ محمد عبده معتقد است؛ آیات قرآن، جهاد با کفار در موارد نقض عهد یا شروع جنگ توسط آنها را واجب می‌داند. ارتباط این گونه آیات ناسخ و منسوخ بودن نیست، آیت الله خوئی نیز تقریباً نظری مشابه عبده دارد، وی در این ارتباط اظهار می‌دارد؛ پیامبر به کشتن اهل کتاب امر ننموده‌اند. آیات مربوط به قتال مربوط به مشرکین است ولی اهل کتاب فقط در صورت آغاز جنگ یا فتنه‌گری یا نپرداختن جزیه، مورد تهاجم سپاه اسلام قرار می‌گیرند. بنابراین قتل اهل کتاب به صرف داشتن عقاید غیر اسلامی جایز نیست. لا اکراه فی دین به وسیله یا ایها النبی و جاهد و الکفار و المنافقین فسخ شده است... آیه ۹۰ سوره نساء مربوط به منافقین مرتد است و منسوخ نمی‌باشد. همچنین آیه ۶۱ سوره انفال منسوخ نیست چرا که آیه سیف مخصوص مشرکین است، ثالثاً قتال مشرکین منوط به قدرت

مقابله با آنان می‌باشد. (خوبی، البیان، ۵۳، صص ۳۷۴-۳۳۰) بنابراین ماهیت جهاد ابتدایی حتی بنا بر وجود آن در زمان حضور امام یا نایب وی اقتضاء می‌کند که اصل وفای به عهد، اصل اعتزال و اصل عدم مداخله (در صورتی که از سوی دولت اسلامی پذیرفته شده باشد) مقید و تحدید شود.

ب. جهاد دفاعی، اگر منافع مسلمانان^(۱) و کیان اسلام در خطر افتد مسلمانان با نوع دومی از جهاد روبه‌رو می‌گردند و بر همگان واجب می‌شود و آن جهاد دفاعی است. مادامی که کفار منافع مسلمانان را به خطر نینداخته و اراضی یا شهرهای آنان را اشغال نکرده‌اند و برنامه اشغالی نیز ندارند نباید با آنان جنگید (حقیقت، مسئولیت‌های فراوانی در سیاست خارجی دولت اسلامی، سال ۱۳۷۶، ص ۳۳۶)، اما اگر خوف گسترش نفوذ و تسلط کفار بر کشورها و شهرهای مسلمانان برود، جهاد دفاعی بر تمام مکلفان و مسلمین اعم از زن و مرد و پیر و جوان، کوچک و بزرگ، واجب می‌شود تا به هر وسیله‌ای که بتوانند دفاع نمایند.

مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطا جهاد دفاعی^(۲) را به چهار قسم تقسیم نموده است:

۱ - جهاد برای حفظ بیضه اسلام، این جهاد هنگامی تحقق می‌یابد که کفار لشکر کشی کرده و به سرزمین‌ها، شهرها، روستاهای مسلمین هجوم کنند و هدفشان این باشد که اسلام را ساقط و کفر را زنده نمایند و ناقوس‌ها را در سرزمین‌های اسلامی به صدا در آورند و کلیساها و معابدی در آنجا بنا کنند و شعارهای کفرآمیز سر دهند.

۲ - جهاد برای دفع کفار از شهرها و روستاها و سرزمین‌های اسلامی و اخراج آنان از سرزمین‌هایی که اشغال کرده‌اند، این نوع جهاد از نظر کاشف الغطا بالاترین اقسام و بهترین وسیله برای تقرب به خداست و حتی از جهادی که در عصر پیامبر^(۳) برای دعوت کردن کفار به سوی اسلام انجام می‌شده بالاتر است.

۳ - جهاد برای دفع کفار که مبادا بر جان مسلمین تسلط یافته و عرض آنها را مورد تجاوز قرار دهند.

۴ - جهاد برای دفع کفار از گروهی از مسلمانان که با آنها درگیر شده‌اند و بیم آن می‌رود که بر مسلمین تسلط یابند. (کاشف الغطا، سال ۱۳۶۳، ص ۲۰)

شهید ثانی جهاد را در سه حالت می‌بیند:

۱ - جهاد با کفار مهاجم

۲ - جهاد با اهل بغی و شورشیان

۳ - جهاد با اهل مصمم به قتل نفس محترمه (شهید ثانی، جهاد، ص ۲۵۹)

برای جهاد دفاعی با توجه به اهمیت و ضرورت آن در امت اسلامی فقهای شیعه جایز دانسته‌اند که مسلمانان پشت سر پیشوای جائر بچنگند تا کیان اسلام و جامعه اسلامی را از شر کفار اشغالگر و متجاوز نجات دهند، مانند آنچه در زمان صلاح الدین ایوبی اتفاق افتاد. وی اگر چه فاقد شرایط رهبری بود لیکن برای آزادی بلاد اسلام جنگیدن به همراه او ایرادی ندارد. البته فقها شرط کرده‌اند که انسان در این جهاد قصد کمک و معونه حاکم ظالم را ننماید، بلکه قصد استخلاص سرزمین اسلامی را بنماید. در همین رابطه امام خمینی (ره) در کتاب تحریر الوسيله خویش دفاع را بر دو قسم می‌داند: دفاع از اسلام و حوزه اسلام.

۱ - دفاع از جان خود و چیزهای مانند آن اگر دشمن متوجه کشور و شهرهای اسلامی یا مرزهای آن شد، به طوری که موجب خوف بر اساس اسلام و جامعه اسلامی باشد. اشغال مرزها، شهرها و سرزمین‌های ایران توسط رژیم عراق، ملت ایران را در برابر یک جهاد دفاعی قرار داد، امام خمینی با فتاوی خویش حضور مردم در جبهه‌های جنگ و دفاع از شهرها و مرزها را واجب کفائی دانستند. در همان زمان ایشان فرمودند: شما می‌دانید که الان بعضی از شهرهای ما و بعضی از زمین‌های ما در دست دشمن است و شهرهای مرزی ما هر روز در زیر توپ‌های دور برد و موشک‌های دشمن است و بر همه ما واجب است که دفاع کنیم از کشور خودمان. (امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۱۷، صص ۲۳۷-۲۴۱)... لکن دفاع حق هر انسانی است و واجب است بر هر انسان دفاع از خود و دفاع از کشور خود و دفاع از دین خود. (امام خمینی، جلد ۸، ص ۲۳۷) در دیپلماسی جهاد امام خمینی (ره) معتقد بودند که بایستی در جهت تبلیغ این مساله کوشید که هدف جمهوری اسلامی از دفاع نه کشورگشایی و دستیابی به اهداف مادی، بلکه پاسداری از ارزش‌های اسلامی و معنوی است. ایشان به این نکته تاکید می‌کنند که جهاد ملت ایران دفاعی است، نه تهاجمی و این جنگ در واقع پاسخی به تجاوزگری‌های دشمن و اقدامی دفاعی و بازدارنده به منظور مقابله به مثل است. در مکتب‌های توحیدی مدارا، خوش رفتاری، و دعوت هست و هیچ وقت در صدد جنگ و جدال نیستند. (امام خمینی، صحیفه، ص ۱۶۳) اما در صورت تجاوز به قلمرو مسلمین و تهدید شعائر اسلامی، در این شرایط دفاع کردن از اسلام به هر وسیله‌ای که ممکن باشد مانند فداکردن جان و مال بر مسلمانان واجب است؛

۲- همچنین اگر خوف آن رود که دشمن کافر بر حوزه اسلام و شهرهای آن تسلط سیاسی پیدا کند و این تسلط سیاسی منجر شود به اسارت سیاسی و اقتصادی مسلمین و ذلت و تحقیر اسلام و مسلمانان و ضعیف شدنشان، دفاع واجب می‌شود و این دفاع یا با سلاح‌هایی که دشمن دارد و شبیه آن صورت می‌گیرد و یا با مقاومت و مبارزه منفی مانند تحریم خرید کالای دشمن و ترک کردن استعمال آنها و معاشرت نکردن با آنها به‌طور کلی. (امام خمینی، تحریرالوسیله، سال ۱۳۶۱، ص ۳۳۶) به نظر می‌رسد تعبیر و تحلیلی که امام خمینی از دو شکل دفاع در حیطه حوزه اسلام دارد از نوع جهاد دفاعی است و کلیه شقوق جهاد را در دو دسته‌بندی کلی قرار داده است. با این تفاوت که امام مسئله جهاد را از یک موضوع صرف فقهی در گذشته به یک موضوع سیاسی و متناسب با شرایط کنونی جوامع اسلامی جهت حل مشکلات کنونی دول اسلامی رهنمون ساخته است. به همین دلیل امام خمینی با تبیین دیدگاه‌های خویش با واقعیت‌های موجود در جنگ تحمیلی، بر آن بودند تا با انعکاس مظلومیت‌های ملت مسلمان ایران، در سطح تحلیل بین‌المللی به اثبات حقانیت دفاع ایران در جنگ، تغییر ادراکی - روان‌شناختی ملت‌های جهان و هماهنگ‌سازی آن با محیط عینی - عملیاتی اهتمام ورزند. ایشان درصدد تشریح این واقعیت بودند که اقدام دفاعی ایران با ارزش‌ها و هنجارهای انسانی حاکم بر نظام بین‌الملل انطباق دارد. اعلام موافقت جمهوری اسلامی ایران با قراردادهای بین‌المللی از باب «قاعده الزام» بر شناساندن نکات مثبت اسلامی مبنی بر صلح‌گرایی نهادین و تکیه بر انگیزه‌های انسانی در حین جنگ تأکید داشتند تا چهره واقعی صلح طلب بودن اسلام را بنمایانند. (دهشیری، درآمدی بر اندیشه سیاسی امام خمینی، سال ۱۳۷۹، ص ۳۶۰) اسلام هم وقتی جنگ می‌کرد جنگ کردنش مثل جنگ کردن‌های کشورگشاها نبوده است که بخواهد یک کشوری را بگیرد، اسلام خواسته آدم درست کند. (امام خمینی، صحیفه، ص ۱۶۳) اما جهاد دفاعی که شامل چهار قسم گذشته از اقسام جهاد می‌شود و از دیدگاه کاشف الغطا و شهید ثانی شرح آن گذشت، با جهاد ابتدایی که قسم پنجم از اقسام مورد بحث بوده از جهات زیر با هم تفاوت دارند:

۱- در جهاد ابتدایی که به منظور دعوت نمودن کفار^(۱) به اسلام، صورت می‌گیرد، حضور امام یا نایب آن شرط است، ولی در اقسام چهارگانه جهاد دفاعی حضور امام یا نواب او شرط نیست.

- ۲- در جهاد ابتدایی، گروهی از مکلفین استثناء می‌شوند (مریض، زن، فقیر...) لیکن در چهار قسم گذشته، هیچ‌کدام از این شرایط معتبر نیست بلکه ملاک وجود در آنها مجرد قدرت است.
- ۳- در جهاد ابتدایی،^(۱) تخلف از متارکه جنگ و نیز تخلف از امام و صلح و پیمان جایز نیست و نمی‌توان به وسیله دروغ و تزویر در آن نیرنگ کرد ولی در بقیه اقسام در صورتی که کفار قوی گردند و مسلمانان از آزار آنها بترسند این کارها جایز است.
- ۴- جهاد ابتدایی اختصاص به کفار دارد اما در چهار قسم دیگر (جهاد دفاعی) فرقی میان کفار و مسلمین و مومنین نیست.
- ۵- جهاد ابتدایی بر خلاف جهاد دفاعی در ماه‌های حرام جایز نیست اما جهاد دفاعی و تمام اقسام آن در ماه‌های حرام بلامانع است.
- ۶- وجوب جهاد؛ در جهاد ابتدایی در طول سال به یک نوبت اختصاص دارد ولی در بقیه اقسام جهاد (دفاعی) محدودیتی از این جهت وجود ندارد.
- ۷- در جهاد ابتدایی قبل از شروع جنگ نخست باید کفار را به اسلام دعوت کرد، اگر نپذیرفتند باید با آنها جنگید ولی در چهار قسم دیگر این شرط وجود ندارد.
- ۸- در جهاد ابتدایی، اصرار کفار بر عدم امتثال دستورات امام، باعث عقد جزیه و امان و متارکه جنگ و صلح و پیمان نیست ولی در چهار قسم دیگر جهاد دفاعی موجب نقض موارد مزبور می‌شود.
- ۹- در جهاد ابتدایی، کشتن به وسیله سم و هجوم ناگهانی بر آنان و حمله شبانه بر آنان جایز نیست، ولی در بقیه اقسام تمام اوقات با هم برابرند. (شیخ جعفر، کاشف الغطاء، سال ۶۷، ص ۱۱)
- در پایان لازم است به بررسی اجمالی آیات الهی پیرامون جهاد پرداخته شود. در قرآن کریم چهار دسته از آیات پیرامون مسأله جهاد وجود دارد، یک ردیف آیاتی است که به صورت مطلق می‌گوید بجنگید که اگر ما بودیم و این آیات و آیات دیگری نبود ممکن بود بگوئیم اسلام دین جنگ است. ردیف دوم آیاتی است که جنگیدن با دیگران را مقید می‌کند به قیدی مانند اینکه آنها با شما در حال جنگ باشند، یا اینکه آنها توده‌ای از مردم مسلمان یا غیر مسلمان را در زیر مهمیز خودشان قرار داده، آزادی آنها و حقوق آنها را پایمال کرده‌اند. ردیف سوم آیاتی است که صریحاً می‌گوید دعوت اسلامی اجباری نیست و ردیف چهارم آیاتی است که اسلام در آن آیات

طرفداری خودش را از صلح صریحاً اعلام می‌دارد. (مطهری، جهاد، سال ۶۷، ص ۱۱۹) از آنجا که ماهیت جهاد از نظر اسلام دفاع است و هیچ نوع تردیدی از این حیث و اختلافی میان محققین وجود ندارد، جنگ به عنوان حالت عارضی و استثنایی پذیرفته شده است و به طرق مختلف مردم به عدم ورود به جنگ یا تمام کردن آن در اولین فرصت تشویق شده‌اند. هر چه نباید در تغافل بود که جنگ به شکل مطلق شر نیست و در برخی موارد گریزی از آن نمی‌باشد. آنچه در شرایط کنونی با وجود نهادهای بین‌المللی قانونی و پاسداشت قلمرو ملی دولت‌ها توسط آنان و مقبول دول اسلامی، و مذموم آنان، تجاوز و سلطه‌طلبی است، ولی هر جنگی از طرف هر کسی تجاوز تلقی نمی‌شود. دفاع، مصادیق بارزی دارد مثل دفاع از ناموس خود یا دفاع در مقابل تجاوز نظامی دشمن. در یک سیاست تقلیل‌گرایانه اگر بخواهیم نمودهای عینی اصل جهاد (در دهه اول انقلاب اسلامی) در روابط خارجی ایران را تعقیب نمائیم، به نظر می‌رسد موضع جمهوری اسلامی ایران در دفاع از کشورهای اسلامی توسط وزیر امور خارجه وقت ایران درسی و هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل ملهم و متأثر از جایگاه جهاد دفاعی در نگرش به شرح از دولتمردان و تصمیم‌سازان سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی ایران بود. ایشان در تبیین دیدگاه‌های جهانی جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: ما علی‌رغم درگیری دو ساله در جنگ تحمیلی هرگز در انجام وظایف اسلامی و انسانی خود در برابر مسئله فلسطین و خاورمیانه کوتاهی نکرده و موضع همیشگی ما در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی به ملت‌های لبنان و فلسطین این بوده که همیشه در کنار مظلوم و علیه ظالم و ظلم ایستاده‌ایم. در صداقت ما همین بس که در برابر حمله وحشیانه اسرائیل به لبنان و مبارزان فلسطین و سوری و لبنانی وارد صحنه کارزار شدیم و نیروهای خود را علی‌رغم نیاز شدید به آنها در جنگی که به ما تحمیل شده روانه صحنه پیکار علیه صهیونیسم کردیم و این اقدام را به عنوان یک وظیفه اسلامی و آرمانی به عمل آوردیم. (ولایتی، سال ۷۵، ص ۸) هر چند پس از اطلاع امام خمینی و برخی از سیاست‌مداران کشور، این نیروها پس از مدت کوتاهی به کشور بازگشتند و دیپلماسی بسط‌محور که چندان منطقی و کارآمد جلوه نمی‌نمود به حاشیه رانده شد و دیپلماسی حفظ‌محور میدان‌دار مدیریت روابط خارجی ایران گشت. در رویکرد نوین سیاست خارجی ایران، دفاع از ملل اسلامی (به خصوص ملت فلسطین) از شکل جهاد دفاعی در سراسر قلمرو به صورت اقدام عملی، به حمایت گفتاری و معنوی و موضع‌گیری رسمی مقامات ایران تقلیل یافت و بیان دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران پیرامون مسائل جهان اسلام مخصوصاً موضوع فلسطین به همایش‌ها و

نشست‌های تخصصی در قلمرو جهان اسلام و تا حدودی خارج از آن ادامه یافت. بنابراین در این دوره اولویت‌های سیاست خارجی ایران در عمل به پنج اصل تکیه نموده است:

- ۱- صلح و امنیت در همسایگی ایران
- ۲- دوستی با جهان اسلام
- ۳- همکاری سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با کشورها و سازمان‌های برگزیده
- ۴- مشارکت فعال در سازمان‌های بین‌المللی
- ۵- گذرنگوی تمدن‌ها^(۱) پارادایمی برای حل مناقشات و منازعات جامعه جهانی (خرازی،

سیاست خارجی ما، سال ۱۳۸۰، ص ۸۱)

و در نهایت اینکه: اسلام در برقراری روابط مسالمت‌آمیز بین اقوام و ملل مختلف در عین وجود اختلاف‌های عقیدتی، نژادی قومی آنان بیشترین اهتمام را داشته است و پیش از اسلام، همه پیروان ادیان و مذاهب با هم در جنگ و ستیز بودند و هر یک دیگران را بر خطا و غیر قابل تحمل می‌دانست و می‌کوشید آنان را به اجبار پیرو عقیده خویش سازد و یا سرکوب نماید. اما، اسلام از همان آغاز، ضمن آیات متعدد بر چنین افکاری خط بطلان کشید و اعلام داشت که پیروان ادیان و عقاید گوناگون می‌توانند در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند و نه تنها از جنگ با یکدیگر بپرهیزند، بلکه بر اساس ارزش‌های مشترک با هم زندگی کنند و ضمن آیات بسیاری، یهود و نصاری را به دلیل اختلافاتشان مورد ملامت قرار داده است. (ابراهیمی و دیگران، اسلام و حقوق بین‌الملل، سال ۱۳۷۸، ص ۳۲) بنابراین معیار زندگی مسالمت‌آمیز مسلمانان با دیگر ملل، عدم دشمنی آنان با اسلام و مسلمین است و پس از احراز این امر، هیچ‌گونه مانعی در زمینه همکاری با ملل و اقوام مختلف وجود نخواهد داشت و حتی دشمنی‌های قبلی نیز مانع همکاری نخواهد بود. حاصل اینکه بر اساس آیات فراوانی می‌توان گفت: از دیدگاه اسلام، اختلافات عقیدتی مجوزی برای جنگ و خونریزی و بالطبع، آواره ساختن افراد یا گروه‌ها نخواهد بود، بلکه پیروان ادیان می‌توانند در کنار یکدیگر بدون تعصب و تنگ‌نظری به زندگی فردی و اجتماعی خویش ادامه دهند. بنابراین جنگ برای گسترش قلمرو و سلب حاکمیت دیگران، از دیدگاه اسلام مردود بوده و از این رو، در قلمرو حکومت اسلامی، هیچ‌کس مجبور به ترک وطن خویش نخواهد بود. قاطبه اعضای جامعه برادر وار در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.

فقهای اسلامی معتقدند؛ دینی که بر اساس فطرت بشری بنا شده و به حقانیت خود معتقد است راه‌های مسالمت‌جویانه را بر جنگ و ستیز با هم نوع خویش مقدم می‌داند و جنگ به شکل مطلق در اسلام مورد قبول قرار نگرفته است و جز در موارد ضروری و حالت خاصی دست به اسلحه نمی‌برد. همان‌گونه که حضرت علی (ع) در دستور و فرمان خود به مالک فرمودند: با رحمت و محبت و لطف با مردم روبه‌رو شو، آنها یا برادر دینی تو یا همانند تو در خلقتند. (امام علی، نهج البلاغه، ص ۴۱۳) بنابراین اهداف جنگ‌های مشروع در اسلام نه اکراه و اجبار در امر دین و عقیده و نه استعمار و سلطه‌طلبی و جهان‌گشایی بلکه دفاع از جان و ناموس مردم، دفاع از اراضی و اموال و استقلال اقتصادی، دفاع از عزت و استقلال سیاسی است. اگر خداوند دست مسلمانان را در موارد معدود و خاصی در جهاد باز گذاشته به دلیل حمایت از خود و دفع از تجاوز می‌باشد وگرنه پیام اسلام بر اساس فطرت و یا تبلیغ صحیح می‌تواند گسترش یابد و عالمگیر شود. با این وصف باید اقرار نمود اصالت صلح در اسلام اصلی مستحکم و غیر قابل شبهه می‌باشد، آیات ۲۰۸ - ۹۰ و ۶۱ سوره‌های بقره، نساء و انفال (قرآن کریم، سوره بقره، نساء، انفال) موید چنین نظری است. مجمل سخن آنکه، به نظر می‌رسد پذیرش قلمرو ملی و مرزها و احترام به حاکمیت ملی دولت‌های اسلامی و غیر اسلامی وعدم مداخله در امور داخلی آنان و درونی شدن هنجارها، قواعد و مولفه‌های حقوق بین‌الملل عمومی توسط این دولت‌ها و احترام و اجرای این اصول در روابط و مناسبات خود با همسایگان مسلمان و غیر مسلمان مورد توجه قاطبه دولت‌های اسلامی است. (بیگدلی، حقوق بین‌الملل اسلامی، ص ۶۸، سال ۱۳۶۷) بنابراین با توجه به شرایط فوق جهاد دفاعی توسط مسلمانان در سراسر بلاد اسلامی و دفاع از مسلمانان و کیان آنان توجیه‌پذیر و مشروع نمی‌نماید. لذا جهاد دفاعی در شرایط کنونی در جهان اسلام مفهومی ملی و در چارچوب قلمرو جغرافیایی دولت‌ها معنا می‌یابد و فراتر از آن با توجه به اصول ۴ و ۷ منشور ملل متحد و قطعنامه‌های ۲۱۳۱-۲۶۲۵-۳۱/۱۹ مجمع عمومی سازمان ملل: مداخله آشکار یا پنهان مستقیم یا غیرمستقیم از جمله گردآوری و اعزام نیروهای مزدور از سوی یک کشور یا گروهی از کشورها و هر عمل نظامی، سیاسی، اقتصادی، یا شکل دیگر مداخله در امور داخلی یا خارجی کشوری دیگر، یا توسل به زور و تهدید بر ضد استقلال سیاسی یک کشور را به شدت منع و تقبیح می‌کند. بنابراین حتی اگر دولت‌های اسلامی بنای دیپلماسی و روابط خارجی خود را بر اساس احکام فقه سیاسی اسلام لحاظ نمایند از آنجا که قاطبه این دولت‌ها عضو سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی اند و عضویت در آن به

معنی پذیرش منشور و اصول و قواعد آن به شمار می‌رود و ناظر بر رفتار دولت‌ها می‌باشند خود به خود شرایط احکام جهاد در وضعیت کنونی بین‌المللی مقید و محدود و قلمرو ملی دولت‌ها، آن هم در صورت تجاوز یک دولت خارجی و با فتوای مراجع و پذیرش دولت اسلامی، تعیین می‌یابد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان به نتایج مهمی در باب جهاد ابتدایی و دفاعی و طراحی سیاست بین‌الملل از دیدگاه اسلام رسید:

۱ - جایی که مسلمانان قدرت ندارند یا از مصالح مهمی باز می‌مانند نباید به احکام اولیه‌ای چون جهاد و قتال متوسل شوند. جهاد در هر موردی که ثابت شد، حکمی اولی است و اگر در تزامم با حکمی دیگر یا عنوانی ثانوی قرار گرفت؛ ممکن است مورد عمل قرار نگیرد. در حقیقت بحث را باید به عناوین اولی کشاند و تعارض ظاهری آیه سیف و اصالت صلح را حل نمود.

۲ - یکی دیگر از شرایط اعمال جهاد، وجود مصلحت^(۱) است. جهاد ابتدایی حتی اگر به شکل خشونت‌آمیز آن ثابت می‌شد، با توجه به شرایط کنونی جامعه بین‌الملل^(۲) قابل طرح نبود. بدیهی است در عصر انفجار اطلاعات، ترویج و اقبال بی سابقه حقوق بشر جایگاه و نقش حقوق بین‌الملل عمومی در مناسبات دولت‌ها از جمله دول اسلامی و... نمی‌توان از جهاد ابتدایی آن هم به شیوه قرون اولیه سخن گفت. شبیه این مورد، تساهل در امر ارتداد و نگرفتن جزیه از اهل کتاب در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۳ - معاهدین اعم از مشرکین و اهل کتاب محترم هستند. دولت اسلامی در شرایط کنونی به مصلحت خود و جامعه بشری می‌بیند که دیگر کشورها را به رسمیت بشناسد و آنها را طرف معاهده خود قرار دهد. پس اگر جهاد ابتدایی با دید مستشرقین قابل اثبات می‌بود باز تاثیر چندانی در سیاست‌های مسالمت‌آمیز دولت اسلامی در روابط بین‌الملل نداشت، چرا که دول اسلامی بر خود لازم می‌بینند با توجه به مقتضیات جامعه بین‌الملل، دیگر کشورها را شناسایی کرده و با آنها معاهداتی چه مبنی بر مشروعیت وجود آنها و چه در ارتباط با روابط

1- advisable

2- international society

در امور سایر دولت‌ها و دوره جدید احترام به حقوق بین‌الملل و برآیند آن حاکمیت دولت‌ها در درون و برون مرزهای ملی از شفافیت و صراحت بیشتری نمود یافته است، و احترام و رعایت آن از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی ایران به شمار می‌آید. بنابراین موضوع جهاد دفاعی در شرایط کنونی جهت دفاع از سایر بلاد اسلامی و مسلمانان از طرف ایران یا هر کشور اسلامی دیگر منتفی است (عدم حضور ایران یا سایر کشورهای اسلامی به منظور دفاع از مردم مسلمان عراق، لبنان، فلسطین... موید چنین نظری است).

۷ - آنچه از اندیشه و سیره عملی امام خمینی (ره) در طول حیات‌شان، پیرامون جنگ عراق علیه ایران، رژیم صهیونیستی علیه لبنان، درک و دریافت می‌گردد، ایشان جنگ با عراق را فقط دفاع از ملت و کشور ایران می‌داند و هدف ملت ایران از مقابله با دشمن بعثی را حفاظت از منابع زیرزمینی، منافع ارضی و اثبات حق ملت ایران برای تعیین سرنوشت خویش می‌دانست و حتی با اعزام نیرو به لبنان به شدت مخالف بودند که منجر به بازگشت آنان گردید. نقطه قابل تأمل و تدبر در اندیشه‌های امام (ره) که برگرفته از اصول اعتقادی اسلام است انطباق آن در این باره با حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد است، آنجا که منشور اعلام می‌دارد هیچ کشور یا گروهی از کشورها حق ندارند به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به هر دلیل و شکل در امور داخلی یا خارجی کشور دیگر مداخله کنند (اصول ۴ و ۷ منشور ملل متحد). بنابراین در شرایط کنونی نظام بین‌المللی ضمن حفظ اصل جهاد و ارزش‌های دفاع آن این اصل در قلمرو ملی دولت‌ها معنا و مفهوم می‌یابد. و در فراسوی مرزهای ملی هم از طریق قواعد و مقررات بین‌المللی و هم از طریق اصول و ارزش‌های دینی مانند وفای به عهد، التزام و عدم مداخله... مقید و محدود می‌گردد و هر چند علما و فقهای اسلامی در سال‌های اخیر در تلاش بوده‌اند تا فتاوی آنان با سیاست‌ها، دیپلماسی و روابط خارجی دولت خود در تضاد و تباین قرار نگیرد و دولت و مردم را در عرصه بین‌المللی دچار اشکال نسازد و دولت‌های اسلامی نیز هم جهت مشروعیت‌سازی و پیشبرد اهداف و برنامه‌های خویش و هم نظارت غیر مستقیم بر رفتار آنان سعی در نزدیکی و روابط حسنه با آنان را دارند (ارتباط حکومت عربستان سعودی، مصر، اخیراً عراق و کشورهای عرب شمال آفریقا و خلیج فارس و انتصاب آنان موید چنین نظری است). و قطعاً موضوع مهمی چون جهاد که در تضاد با اصل مداخله و مباحث با منشور و اصول و قواعد نهادهای حقوقی و بین‌المللی قرار می‌گیرد خارج از قاعده و شمول فوق نخواهد بود.

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منعقد نمایند. احترام به قراردادهای بین‌المللی چه طرف قرار داد مشرکین یا اهل کتاب باشند مورد اتفاق جمیع اندیشمندان اسلامی است.

۴ - اهل کتابی را به صرف عقیده‌اش نباید کشت. مجوز قتال با اهل کتاب، آغاز جنگ از جانب آنها، فتنه‌انگیزی یا نپرداختن جزیه است. تقارن نتیجه سوم و چهارم، سیاستی مسالمت‌آمیز برای دولت اسلامی در صحنه بین‌الملل به ارمغان می‌آورد، چرا که تقریباً تمامی کشورهای دنیا یا کتابی‌اند یا معاهد.

۵ - تنها مورد اختلافی که می‌ماند وضعیت مشرکین غیر معاهد است در این مورد دو نظریه وجود دارد:

الف) به مشرکین غیر معاهد، اسلام تبلیغ می‌شود، پس یا باید آن را بپذیرد یا کشته شوند. مراد از فتنه، شرک است و آیات سیف، مشرکین را شامل می‌شود. علامه طباطبایی (در ص ۸-۶۲ جلد دوم المیزان) قتال را وسیله‌ای برای از بین بردن شرک و دفاع از حقوق بشر معرفی می‌نماید. ب) سیاق برخی آیات (مثل: لما ینهاکم الله... ممتحنه: ۸) مشرکین مکه است و گمان نمی‌شود کسی به کشتن میلیاردها بشر بر روی زمین در صورت قدرت فتوا دهد. حکمت قبول جزیه هم احتمالاً مخالف با مسلمانان و نزدیکی با فرهنگ غنی ایشان است. (خریبی، البیان، سال ۵۳، صص ۳۰۷-۳۷۴) آیت‌الله منتظری در کتاب ولایت الفقیه ضمن طرح این احتمال چنین می‌گوید: حکم قتل غیر اهل کتاب در صورتی که مسلمان نشود، علی‌الاطلاق ممنوع است. تو گویی این امری حکومتی و به دست امام مسلمانان می‌باشد. پس برای اهل کتاب صلح دایم و برای مشرکین صلح موقت وجود دارد. (منتظری، ولایت فقیه، سال ۶۷، صص ۵۹۳-۶۰۲)

۶ - به نظر می‌رسد مساله دارالاسلام (امت محوری) و دفاع از مرزهای عقیدتی و جهاد علیه مهاجمین بدون اخذ اجازه از امام، و نادیده انگاشتن قلمرو و مرزهای ملی دولت‌ها در شرایط کنونی نظام بین‌الملل و روابط بین‌الدولی که اصل حاکمیت، حفظ تمامیت ارضی از اهداف کلان دولت‌ها و از اصول مسلم منشور ملل متحد قلمداد می‌گردد، تخطی از آن توسط دولت‌های اسلامی غیرعقلی و غیر شرعی است. از سوی دیگر جامعه جهانی و نهادهای حقوقی بین‌المللی (سازمان ملل، دیوان دادگستری لاهه...) ناظر بر رفتار دولت‌ها را بر نمی‌تابند، و قطعاً اهداف، منافع ملی و سیاست‌های اعلانی و اعمالی ایران را نیز دچار اشکالاتی خواهد ساخت.

۷ - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول متعدد خود (سوم، نهم، هفتاد و هشتم و صدم) ضمن پذیرش قلمرو ملی و اصل احترام به حفظ تمامیت ارضی و عدم مداخله

- 3 - Khadduri, M. (1960), *The Islamic Law of Nation*, Maryland the John Hopkins Press.
- 4 - Nef, V. John, (1950), *War and Human Progress*, Harvard university.
- 5 - Wharright, Q. (1990), *A Study of Wav*. 2nd Ed. university of Chicago Press.



کتابنامه:

الف - فارسی

- ۱ - ابراهیم، محمد و دیگران، (۱۳۷۸)، اسلام و حقوق بین‌الملل، انتشارات سمت.
- ۲ - امام خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۱)، تحریرالوسیله، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۳ - بیگدلی، محمدرضا ضیایی، (۱۳۶۷)، حقوق بین‌الملل اسلامی.
- ۴ - حقیقت، سیدصادق، (۱۳۷۶)، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- ۵ - خرازی، سیدکمال، (۱۳۸۰)، سیاست خارجی ما، مجموعه سخنرانی‌ها، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۶ - خویی، ابوالقاسم، (۱۳۵۳)، بیان، حوزه علمیه قم.
- ۷ - دهشیری، محمدرضا، (۱۳۷۹)، درآمدی بر اندیشه سیاسی امام‌خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۸ - شکوری، ابوالفضل، (۱۳۶۷)، فقه سیاسی اسلام، امیرکبیر.
- ۹ - شهید ثانی، شرح لمعه.
- ۱۰ - صفایی، سیدحسین، (۱۳۷۵)، حقوق بین‌الملل و داوری‌های بین‌المللی، نشر میزان.
- ۱۱ - طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، سوره ممتحنه.
- ۱۲ - عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۵)، فقه سیاسی اسلام، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۳ - قرآن کریم، سوره نساء، انفال، ممتحنه.
- ۱۴ - کاشف الغطا، شیخ جعفر، (۱۳۶۷)، ترجمه محمدرضا انصاری، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۵ - مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، جهاد، انتشارات صدرا.
- ۱۶ - منتظری، حسینعلی، (۱۳۵۹)، ولایت فقیه، قم مرکز العالم.
- ۱۷ - مورگنتا، هانس جی، (۱۳۷۹)، سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۸ - نحوی، هادی، (۱۳۷۶)، توافق و تزاخم منافع ملی با مصالح اسلامی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۹ - ولایتی، علی‌اکبر، دیدگاه‌های جهانی جمهوری اسلامی ایران.

ب - لاتین

- 1 - Fyzee, A. (1963), *A Modern Approach to Islam*, Asia Publishing House.
- 2 - Khadduri, M. (1955), *War and Peace in the Law*, Islam Baltimore the Johns Hopkins Press.

مقدمه

حوزه بررسی اثر اقتصاد کلان نفتی موضوع جالب و قابل توجهی است. کارهای نظری اولیه در این زمینه به صورتی سنتی صرفاً بر شوک‌های عرضه و تعدیلات تقاضا متمرکز بود (M. Bruno and J. Sachs, pp.679-705) در حالی که مطالعات تجربی اخیر بیشتر، تحولات نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در اثر تغییرات قیمت نفت و بسیاری از دیگر متغیرها را مدنظر قرار می‌دهند. (R.H. Rasche and J.A. Tatom, pp. 2-12) در همین زمینه «دارایی» معتقدست شوک نفتی ۱۹۷۳ یک تجربه خاص نبود چون در آن زمان جهان درست در حال خروج از ترتیبات مالی برتن وودز بوده و ایالات متحده نیز به‌ویژه در مسیر ترک کردن دوره کنترل عمومی قیمت‌ها به سر می‌برد و به همین دلیل، چگونگی اثرات شوک نفتی بر اقتصاد کلان کاملاً در مشخص نشد. در اثر (M.R. Darby, p. 739) دفتر بودجه‌کنگره ایالات متحده (USCBO)^(۱) مطالعاتی به سال ۱۹۸۱ تخمین زد که کل خروجی آسیب‌دیده کشورهای عضو رکود OECD ۱۹۷۴-۷۵ ناشی از اولین شوک نفتی، به پول آن زمان ۳۵۰ میلیارد دلار (معادل ۰.۷٪ تولید) بوده ناخالص داخلی تخمین زده OECD است. البته بخشی از این افول می‌تواند به عوامل تسلسلی و ساختاری اقتصاد نسبت داده شود نه صرفاً به افزایش قیمت نفت. نرخ رشد OECD که افول تولید ناخالص داخلی ناشی از دومین شوک نفتی در سال ۱۹۸۰، ۳٪ (برابر با ۳۵۰ میلیارد دلار) و در ۱۹۸۱، ۴/۲۵٪ (معادل ۵۷۰ میلیارد دلار) بوده است. اثر بحران ۱۹۹۰-۹۱ کمتر بود زیرا افزایش قیمت نفت در طول این بحران خیلی زیاد نبود و این افزایش به مدت طولانی ادامه نیافت. به هر حال می‌توان ادعا کرد که از زمان بروز بحران‌های نفتی در اوایل دهه ۱۹۷۰ مسئله تأثیرات افزایش قیمت نفت بر اقتصاد کلان و در نتیجه تأثیراتش بر سیاست به صورتی جدی مدنظر پژوهشگران این حوزه قرار گرفت. در سال ۱۹۸۳ «جیمز همیلتون» در مقاله مشهور خود قیمت (James D. Hamilton, pp. 228-248) نشان داد که در ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم همواره یک افزایش نفت بر بروز رکود اقتصادی مقدم بوده است (به جز رکود سال ۱۹۶۰). این مقاله اهمیت زیادی نفت و انرژی به (Hamilton, pp. 228-248) پیدا کرد و باعث توجه ویژه پژوهشگران حوزه بحران‌های ۱۹۷۳ و ۸۰-۱۹۷۹ و اثرات آنها بر اقتصاد جهانی شد و به این ترتیب تحقیقات فراوانی در این زمینه آغاز گردید. برای مثال «بوربیچ و هریسون» فرضیه مقدم بودن افزایش

1- The US Congressional Budget Office (CBO).